مطالعات تاریخ اسلام
سال شانزدهم، شمارهٔ ۶۳، زمستان ۱۴۰۳، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۱۱۹ -۱۴۲

زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم حکومت علی‌بن محمد صلیحی در یمن
(حک: ۴۳۹- ۴۵۹)

محمدتقی سازندگی[۱]

چکیده: حکومت صُلَیحیان در یمن، تأسیس‌شده توسط علی‌بن محمد صلیحی در قرن پنجم قمری، به مدت یک قرن بر این سرزمین حکم راند. در این مقاله به بررسی زمینه‌ها و عواملی پرداخته شده است که زمینه‌ساز شکل‌گیری و گسترش این حکومت شیعی اسماعیلی در یمن شد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه عواملی در شکل‌گیری حکومت صلیحی در یمن نقش داشت؟ هدف از این تحقیق، بررسی عواملی است که زمینه‌ساز قدرت‌گیری صلیحی و تأسیس حکومت او در یمن در قرن پنجم قمری شد. این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی- تحلیلی و بررسی منابع کهن تاریخی به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. اتکای صلیحی به ضعف زیدیه و ناتوانی اهل سنت در یمن، در کنار سیاست‌های کارآمد او، از جمله تسامح و مردم‌داری، استفاده از نیروهای وفادار، برقراری روابط حسنه با فاطمیان مصر، احداث دژهای تسخیرناپذیر و اتخاذ تدابیر جنگی هوشمندانه، زمینه‌ساز تأسیس حکومت صلیحیان و فرمانروایی بیست سالهٔ او بر این سرزمین شد.

واژه‌های کلیدی: صُلیحیان، یمن، علی‌بن محمد صلیحی، تشیع اسماعیلی، زیدیه، فاطمیان مصر.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

10.22034/16.63.5

۱ استادیار موسسه آموزش عالی دارالحکمه، دکترای تخصصی تاریخ و تمدن اسلامی، قم، ایران.
mt.sazandegi92@gmail.com
ORCID: 0000-0002-3050-8329

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM © 2009 by Research Center for Islamic History is licensed under Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 16, No 63, Winter 2025
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir
Scientific-Research, pp. 119-142

The Background and Influential Factors in Formation and Continuation of the Rule of ʿAlī ibn Muḥammad al-Ṣulayḥī in Yemen (r. 439-459 AH)

Mohammad Taghi Sazandegi[1]

Abstract: The Ṣulayḥid dynasty in Yemen, established by ʿAlī ibn Muḥammad al-Ṣulayḥī in the 5th century AH, ruled over this land for a century. This paper examines the background and factors that contributed to the emergence and expansion of this Ismāʿīlī Shiʿi government in Yemen. The central question of this study is: What factors played a role in the formation of the Ṣulayḥid rule in Yemen? The objective of this research is to analyze the elements that facilitated al-Ṣulayḥī's rise to power and the establishment of his rule in Yemen in the 5th century AH. This study employs a descriptive-analytical approach, relying on historical sources using desk study. Al-Ṣulayḥī's reliance on the weakness of the Zaydiyya and the incapacity of the Sunnis in Yemen, along with his effective policies—such as tolerance and good governance, the use of loyal forces, maintaining favorable relations with the Fāṭimids of Egypt, constructing impregnable fortresses, and adopting intelligent military strategies—paved the way for the establishment of the Ṣulayḥid dynasty and his twenty-year rule over this territory.

Keywords: Ṣulayḥids, Yemen, ʿAlī ibn Muḥammad al-Ṣulayḥī, Ismāʿīlī Shiʿism, Zaydiyya, Fāṭimids of Egypt.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

10.22034/16.63.5

1 Assistant Professor at the Dar al-Hikmah Institute of Higher Education, Ph.D. in Islamic History and Civilization, Qom, Iran. mt.sazandegi92@gmail.com
ORCID: 0000-0002-3050-8329

Receive Date: 2024/12/12 Accept Date: 2025/02/19

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM © 2009 by Research Center for Islamic History is licensed under Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

مقدمه

تأسیس حکومت صلیحیان به رهبری علی‌بن محمد صلیحی در قرن پنجم قمری، از وقایع مهم تاریخ یمن است که با حمایت خلفای فاطمی شکل گرفت و بیش از یک قرن دوام یافت. این حکومت نقش مهمی در گسترش نفوذ اسماعیلیان در یمن داشت. شکل‌گیری و استمرار آن تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله ضعف زیدیان و اهل سنت، حمایت فاطمیان و سیاست‌های مدبرانهٔ صلیحی در اتحاد قبایل و مدیریت سیاسی و نظامی بود. این عوامل در تثبیت قدرت صلیحیان و تحولات بعدی یمن تأثیر بسزایی داشت. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های تاریخی از منابع کهن و پژوهش‌های جدید گردآوری و تحلیل شده‌اند تا تصویری جامع از عوامل مؤثر بر قدرت‌گیری صلیحیان ارائه شود. با توجه به اینکه حکومت صلیحیان نقش مهمی در تحولات مذهبی و سیاسی یمن ایفا کرد و زمینه‌ساز گسترش نفوذ اسماعیلیه در این منطقه شد، شناخت دقیق عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و استمرار آن، به درک بهتر تاریخ سیاسی یمن و رقابت‌های مذهبی در جهان اسلام کمک می‌کند.

پیشینهٔ پژوهش

علی‌رغم وجود حکومت شیعی اسماعیلی در کنار مذاهب زیدیه و اهل سنت در یمن قرن پنجم، تاکنون پژوهش‌های قابل توجهی در این حوزه صورت نگرفته است. عمده پژوهش‌های معاصر بر بررسی کلیات تاریخی حکومت صلیحیان متمرکز بوده و تنها اشاره‌ای گذرا به عوامل پیروزی و موفقیت علی صلیحی کرده‌اند. در این میان، کتاب یا مقاله‌ای مستقل به صورت اختصاصی به واکاوی این موضوع نپرداخته است. با وجود این، می‌توان به برخی آثار اشاره کرد که تا حدی به مسئلهٔ پژوهش حاضر نزدیک می‌باشند:

۱. مقاله «داعیان حکومتگر صلیحی در یمن» (۱۳۸۵) نوشته فاطمه جان‌احمدی در نشریه *علوم انسانی*، شماره ۵۹، چاپ شده است. در این مقاله بخش کوتاهی به حکومت علی صلیحی پرداخته است.

۲. مقاله «الصُلَیحیّون و آثارهم المعماریه فی الیَمن» (بهار ۱۳۸۳) تألیف همان نویسنده به زبان عربی است که در نشریه *دراسات فی العلوم الانسانیه*، شماره ۲ به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله غالباً به آثار فرهنگی و تمدنی حکومت صلیحیان پرداخته است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

۳. مقاله «العلاقات بین الدولة الصلیحیة و الخلافة الفاطمیة فی عهد علی‌بن محمد الصلیحی (۴۲۹-۴۵۹ق)» (۱۴۳۷ق) توسط محمد قائد حسن، در نشریه *الجمعیة التاریخیة السعودیة* توسط انتشارات دانشگاه ملک سعود نشر یافته است. این مقاله به بررسی روابط دولت صلیحیان با خلافت فاطمی در دوره علی‌بن محمد صلیحی (۴۵۹-۴۲۹ق) پرداخته و نشان داده است که این روابط مبتنی بر تبعیت و وفاداری مطلق صلیحی به خلیفه المستنصر بالله بوده است.

۴. مقاله «چگونگی تأسیس دولت صلیحی فاطمی در یمن در میانهٔ قرن پنجم هجری» اثر محمد عبده محمد السروری و رسول جعفریان در نشریه *پیام بهارستان*، شمارهٔ ۱۰ چاپ شده است. نویسنده در این اثر به گوشه‌هایی از حیات و نبردهای علی صلیحی پرداخته، اما در تبیین عوامل پیروزی علی‌بن محمد صلیحی در یمن کوشش کمتری به کار برده است.

۵. پایان‌نامه «بررسی روابط سیاسی صلیحیون یمن و فاطمیان مصر (۴۲۹-۵۳۲ق)» نوشته مریم حسن‌پور که در مقطع کارشناسی ارشد، در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه الزهراء(س) دفاع شده، به بررسی روابط سیاسی میان حکومت صلیحیان در یمن (۴۲۹-۵۳۲ق) و خلفای فاطمی مصر پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تبعیت داعیان صلیحی از خلفای فاطمی، موجب استحکام روابط دو دولت شد.

در حالی‌که بسیاری از پژوهش‌های پیشین به بررسی کلی تاریخ حکومت صلیحیان یا شرح مختصری از پیروزی‌های علی صلیحی پرداخته‌اند، این مقاله به‌طور خاص بر شناسایی و تحلیل عواملی متمرکز شده است که زمینه قدرت‌گیری صلیحی و تأسیس حکومت او را فراهم کرده‌اند. این مقاله طیف وسیعی از عوامل را مدّ نظر قرار داده که به قدرت‌گیری صلیحی کمک کرده‌اند. این رویکرد جامع به خواننده کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از عوامل زمینه‌ساز این رویداد تاریخی به دست آورد. این یافته‌ها درک ما از این دوره مهم تاریخی را ارتقا می‌دهد و می‌تواند به درک بهتر تحولات سیاسی و مذهبی در یمن کمک کند.

۱. وضعیت سیاسی یمن در آستانهٔ برآمدن صلیحیان

در قرن پنجم قمری ضعف زیدیه و ناتوانی حاکمان سنی در یمن، زمینه را برای قدرت‌گیری علی‌بن محمد صلیحی فراهم کرد. زیدیه که به دو شاخه ناصری و جارودی تقسیم شده بودند

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

(زباره، [بی‌تا]: ۷۹–۷۸)، به دلیل درگیری‌های داخلی و فشارهای فاطمیان مصر و امویان شام، دچار ضعف شدید شدند (عماره یمنی، ۱۹۷۶: ۱۹۸–۱۹۷). در همین حال، حکومت‌های سنی یمن نیز فاقد رهبری مقتدر و توانایی ایجاد ثبات و اتحاد بودند.

در چنین شرایطی، علی صلیحی با بهره‌گیری از توان نظامی و مهارت‌های سیاسی خود، یمن را متحد ساخت و سلسلهٔ صلیحیان را بنیان نهاد (زباره، [بی‌تا]: ۷۹–۸۰). او با فتح صنعا، صعده و عدن، نزدیک به دو دهه بر بخش وسیعی از یمن حکومت کرد. مهم‌ترین دستاورد او یکپارچه‌سازی یمن بود؛ امری که در تاریخ این سرزمین بی‌سابقه محسوب می‌شود (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۴۱). با توجه به وضعیت متزلزل سیاسی و کشمکش‌های قبیله‌ای یمن، این اتحاد اهمیتی دوچندان داشت (جان‌احمدی، ۱۳۸۵: ۳۴). البته صلیحی در مسیر تثبیت قدرت خود با چالش‌ها و مخالفت‌های بسیاری مواجه بود.

۲. چگونگی دعوت علنی علی صلیحی

ده سال پس از دعوت پنهان به آیین اسماعیلی در ناحیهٔ حراز، علی صلیحی با آگاهی از کشمکش میان نفیس و نجاح[۱] بر سر وزارت در دولت آل زیاد (ابوالفداء، ۱۴۱۷: ۲۴/۲)، فرصت را برای دعوت علنی به این آیین، مغتنم شمرد. در این میان، نفیس با قتل ابراهیم‌بن عبدالله زمام امور را به دست گرفت، اما توفیقات او دیری نپایید و نجاح بر او غلبه کرد[۲] و مسند حکومت را از آن خود ساخت (ابن‌خلدون، ۱۹۸۵: ۴۵۶/۴). آشوب‌ها و بی‌ثباتی سیاسی در تهامَه، فرصتی مغتنم برای علی صلیحی فراهم آورد تا دعوت خود را به صورت علنی اعلام کند. اوَ با هماهنگی یارانش در سرتاسر یمن، در مراسم حج سال ۴۳۸ق. در مکه دعوت خود را در میان حجاج آغاز کرد. در این مراسم، پیروان اسماعیلی گرد او جمع شدند و با او بیعت کردند (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۲). پس از بازگشت از حج، مردم نواحی حراز نیز که از هواداران پدرش بودند، با او بیعت کردند. این امر توجه المؤید نجاح (حک: ۴۱۲–۴۵۲ق) حاکم دولت بنی‌نجاح در تهامه و زَبید را به فعالیت‌های

۱ مرجان غلامِ حسین‌بن سلامه بود و دو بردهٔ حبشی به نام‌های نفیس و نَجاح داشت (ابوالفداء، ۱۴۱۷: ۲/ ۲۵). مرجان به تحریک نفیس، حاکم خردسال و عمه‌اش را در سال ۴۰۷ق. دربند کرد و مدتی بعد (سال ۴۰۹ق) نفیس آن دو را به قتل رساند و آل زیاد را به کلی برانداخت (ابن‌خلدون، ۱۹۸۵: ۴۵۶/۴).

۲ نجاح حبشی ملقب به «المؤید»، دولت بنی‌زیاد حاکم یمن را سرنگون کرد و حکومت بنی‌نجاح را در شهر زبید بنیان نهاد (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۳۷- ۲۳۸).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

سیاسی و مذهبی رقیب خود جلب کرد (زرکلی، ۱۹۸۹: ۴۱/۳). علی صلیحی با قدرت‌گیری در عرصه سیاست، به شخصیتی صاحب‌نفوذ و قدرتمند تبدیل شد و هدف خود از تشکیل حکومت را یکپارچه‌سازی یمن اعلام کرد.

۳. عوامل مؤثر بر قدرت و موفقیت حکومت صلیحی

حکومت علی‌بن محمد صلیحی (حک: ۴۳۹–۴۵۹ق) مصادف با دوره دوم حکومت فاطمیان مصر (حک: ۳۴۱–۴۸۷ق) بود که از درخشان‌ترین دوره‌های خلافت فاطمیان به شمار می‌رود. این دوره شاهد شکوفایی و پیشرفت در عرصه‌های قدرت نظامی، فرهنگ و تمدن فاطمیان بود. در این زمان، فاطمیان بر بخش وسیعی از ممالک اسلامی حاکم بودند و به عنوان خلیفه مسلمین در مقابل خلفای عباسی در بغداد و خلفای اموی در اندلس، به رقابت می‌پرداختند (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۴۲). حکومت طولانی فاطمیان مصر به گسترش و تقویت مذهب تشیع در شمال آفریقا انجامید.

علی صلیحی (متوفای ۴۵۹ق) پس از استیلا بر یمن، با جدیت تمام به ترویج مذهب اسماعیلیه در آن سرزمین همت گمارد و در این راستا روابطی دوستانه و مستحکم با دربار فاطمیان مصر برقرار ساخت. حکومت فاطمی نیز از وجود این حکومت شیعی اسماعیلی در یمن به عنوان ابزاری کارآمد برای بسط نفوذ خود در منطقه بهره برد (باسورث، ۱۳۸۱: ۲۰۸/۱). صلیحی در سال ۴۳۹ق. در ناحیهٔ «مَسار»[1] واقع در شمال غربی صنعا، اعلام استقلال کرد و در سال ۴۵۵ق. با فتح صنعا بر تمامی یمن چیرگی یافت. قلمرو حکومت او از آن پس تا سال ۴۵۶ق. مکه را نیز در برگرفت و از مکه تا حَضرَموت امتداد داشت (لین پل، ۱۳۸۹: ۱۷۱). در این بخش به بررسی و تحلیل عواملی می‌پردازیم که در تقویت و پیروزی حکومت علی صلیحی در یمن نقش‌آفرین بودند:

۳–۱. ساخت پایگاه و قلاع نفوذناپذیر

در سال ۴۳۹ق. علی صلیحی در اولین اقدام پس از اعلان عمومی دعوت، به منظور ایجاد امنیت و تشکیل حکومت مستقل، در مَسار ناحیهٔ کوهستانی حراز، قلعه‌ای[2] مستحکم و نفوذناپذیر بنا کرد (عماره یمنی، ۱۹۷۶: ۱۱۷). منطقهٔ حراز به سبب فاصله قابل توجه از مراکز آباد و مسیرهای

۱ مَسار: کوهی رفیع در سلسله‌جبال ناحیه مناخه از توابع حراز، مشرف بر روستاها، مزارع و دژهای متعددی چون عتّاره، وَسِل، مَصنَعه و بیت‌القانص است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۲/ ۱۵۰۸).

۲ مهم‌ترین قلعه‌های آن منطقه شامل مَسار، شَبام، بیح، عِرّ و صعفان است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱/ ۴۴۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

صعب‌العبور کوهستانی، بستر مناسبی برای احداث قلعه و استقرار نخستین پایگاه قدرت صلیحیان فراهم می‌کرد. دورافتادگی مناطق جنوبی یمن، به همراه تنوع مسیرهای دسترسی (بیابانی، جلگه‌ای و کوهستانی)، سبب شده بود خلفای عباسی توجه چندانی به این نواحی نداشته باشند. علی صلیحی با درک این موقعیت ممتاز، از حراز به عنوان کانونی برای جذب ناراضیان و مخالفان عباسی، گردآوری هم‌کیشان اسماعیلی و تشکیل هسته اولیه حکومت خود بهره برد. موقعیت استراتژیک حراز میان صنعا و الحدیده، بر اهمیت سوق‌الجیشی این منطقه می‌افزود و آن را به گزینه‌ای ایدئال برای تأسیس یک حکومت نوپا تبدیل می‌کرد (ثور، ۱۹۸۵: ۴۱۰/۱). علی صلیحی پرورش‌یافته در دامن کوهسار، از شناخت دقیقِ عوارض و گذرگاه‌های حراز برخوردار بود. وی با وقوف بر موقعیت استراتژیک این سامان و انبوهی از ارتفاعات و تپه‌ها، از این امتیاز به نحو احسن بهره گرفت و با گزینش قلل[۱] صعب‌العبور، موفق به ایجاد موقعیتی ممتاز و امن گردید.

هدف علی صلیحی از گزینش ارتفاعات حراز به عنوان مقر حکومتی، صرفاً تسلط بر مهاجمان نبود، بلکه او با درایت و تدبیر، از شیب‌های تند تپه‌ها و کوه‌ها به عنوان حصاری طبیعی بهره می‌برد که دسترسی دشمن به قلعه را به امری دشوار و طاقت‌فرسا تبدیل می‌کرد. آب‌وهوای بارانی و مرطوب منطقه به همراه خاکی حاصلخیز، حراز را به گوهری سبز در میان انبوه کوه‌ها تبدیل کرده بود (سیاغی، ۱۹۸۰: ۱۲۲). در این سرزمین پرمیمنت، قهوه، گندم، جو، حبوبات و انواع میوه‌ها به ثمر می‌رسید و پرورش دام در کنار منابع سرشار زیرزمینی، همچون طلا و نقره، موجب شکوفایی اقتصادی حراز و رفاه ساکنان آن شده بود (ثور، ۱۹۸۵: ۴۱۱/۱).

علی صلیحی از اهمیت احداث انبارهایی برای ذخیره‌سازی آذوقه و دام آگاه بود. این انبارها در صورت محاصره قلعه، امکان تداوم مقاومت و تأمین معیشت ساکنان و سربازان را فراهم می‌کردند. صلیحی علاوه بر قلعهٔ اصلی که در مسیر صنعا بنا نهاده بود، اقدام به احداث استحکامات متعدد در سراسر یمن کرد و تعدادی از قبایل آن نواحی را نیز تحت تسلط خود درآورد (ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۵۸). در سال ۴۴۳ق. قلعهٔ مهم جبل النبی الشعیب[۲] (بیت خولان) در نزدیکی صنعا را فتح کرد و سپس قلعه یَناع در حَیمه را نیز به تصرف خود درآورد و شماری از مخالفان خویش را از میان برداشت (ربعی، ۱۹۹۳: ۷۴). از این رو، وجود قلعه‌ای نفوذناپذیر برای علی

---

۱ میانگین ارتفاع قله‌های رشته‌کوه حراز به حدود سه‌هزار متر از سطح تراز دریا می‌رسد (ترسیسی، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۴۰).

۲ این قله رفیع‌ترین نقطه یمن محسوب می‌شود و در جوار شهر صنعا واقع شده است. خاک این کوهستان از حاصلخیزی قابل توجهی برخوردار است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

صلیحی، اهمیتی حیاتی داشت و نمایانگر قدرت و اقتدار او در میان مردم و سایر حاکمان بود.

۲-۳. روابط حسنه با فاطمیان مصر

ارتباط وثیق صلیحی با فاطمیان مصر، نقشی کلیدی در تحکیم جایگاه و موقعیت او ایفا کرد (همدانی، ۱۹۵۵: ۹۳). از آغاز قیام، صلیحی با مرکز دعوت اسماعیلیه در قاهره ارتباط برقرار کرده بود. او به‌طور مستمر اخبار یمن را به اطلاع آنان می‌رساند و در امور مختلف کسب تکلیف می‌کرد و نظر خلیفه را جویا می‌شد، اما این ارتباط را به‌طور علنی آشکار نمی‌کرد (همدانی، همان، ۹۴).

دلایل خودداری صلیحی از ذکر علنی نام خلیفه فاطمی متعدد بود:

الف. ملاحظات راهبردی در قبال قبایل یمنی

صلیحی با اتخاذ رویکردی محتاطانه، از شورش قبایل یمنی در مناطقی که هنوز تحت سیطره او درنیامده بودند، پرهیز می‌کرد. این تدبیر هوشمندانه از تحریک احساسات قبیله‌ای و شعله‌ور شدن ناآرامی‌ها در مناطق تحت کنترل صلیحی جلوگیری می‌کرد و به او فرصت می‌داد تا تمرکز خود را بر تحکیم قدرت در قلمرو تصرف‌شده معطوف کند.

ب. موقعیت‌سنجی سیاسی در دوران خلافت المستنصر

صلیحی با درک عمیق از شرایط سیاسی حاکم بر مصر در دوران ابتدایی خلافت المستنصر بالله فاطمی (حک: ۴۲۷-۴۸۷ق)، از اقدامات شتابزده و تهاجمی خودداری می‌کرد. صغر سن[۱] المستنصر و ناپختگی او در عرصه حکمرانی، به همراه ناپایداری و بحران‌های اقتصادی دولت فاطمی، صلیحی را بر آن داشت تا با احتیاط عمل کند و منتظر تثبیت اوضاع در مصر بماند.

ج. محاسبات اقتصادی در سایهٔ بحران‌های فاطمی

آگاهی صلیحی از مشکلات و تنگناهای اقتصادی دولت فاطمی، او را به اتخاذ رویکردی

۱ با توجه به صغر سن المستنصر بالله خلیفهٔ فاطمی، زمام امور در دست «جرجرائی» وزیر دربار بود. وی به عنوان همه‌کارهٔ حکومت ایفای نقش می‌کرد. در سال ۴۳۶ق. با وفات جرجرائی، مادر مستنصر به نیابت از فرزند خردسالش عهده‌دار امور شد، اما تمایلات وی به یهودیان و انتصاب آنان به مناصب حساس دولتی، منجر به بروز آشوب و هرج‌ومرج گسترده‌ای در قلمرو فاطمی گردید. در دوره‌ای ده ساله، شاهد تغییر و تحولات پی‌درپی در منصب وزارت بودیم؛ به گونه‌ای که چهل وزیر در این مدت کوتاه زمام امور را به دست گرفتند و اکثراً به قتل رسیدند (ابن‌تغری‌بردی، ۱۳۹۲: ۲۵۴/۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

محتاطانه در قبال مصر ترغیب می‌کرد. بحران‌های اقتصادی مصر که هفت سال به طول انجامیده بود، صلیحی را بر آن داشت تا از هرگونه اقدام تهاجمی که می‌توانست به ضرر منافع اقتصادی او تمام شود، پرهیز کند.

مقریزی عوامل اصلی بحران مصر را ضعف سلطنت در اداره امور، سیطره نظامیان بر امور دولت، کشمکش‌های درون‌خاندانی و کاهش آب نیل می‌دانست (مقریزی، ۱۹۷۷: ۱۲۲). براساس اسناد المستنصر (السجلات المستنصریه)، دولت مرکزی در مناطقی چون اسکندریه، جیزه و صعید با ضعف روبه‌رو بود و هزینه‌های خدمات دولتی نیز افزایش یافته بود (مقریزی، همان، ۶۰-۵۸).

علی صلیحی پس از استیلا بر قدرت در سال ۴۳۹ق، حکومت خویش را به‌طور رسمی اعلان کرد (ابن‌خلدون، ۱۹۸۵: ۳۰۴/۳). یکی از اقدامات راهبردی و کلیدی صلیحی، برقراری روابطی مستحکم با حاکمان فاطمی مصر بود. این روابط نقشی محوری در دستیابی به موفقیت و تثبیت حکومت وی در یمن ایفا کرد.

صلیحی با برقراری روابط استراتژیک با فاطمیان مصر، اهداف و منافع متعددی را دنبال می‌کرد که در این بخش به ارزیابی و تحلیل آنها پرداخته می‌شود:

الف. جلب حمایت نظامی

در صورت وقوع درگیری با خلیفهٔ عباسی و امرای تابع او، صلیحی به یاری نظامی فاطمیان مصر نیازمند بود. قدرت نظامی فاطمیان در آن دوره به مثابه بازوی قدرتمندی برای صلیحیان محسوب می‌شد و می‌توانست در حفظ و تثبیت حکومت او در یمن نقشی اساسی ایفا کند.

ب. تثبیت مشروعیت حاکمیت

حمایت و تأیید خلیفه فاطمی به عنوان رهبر مذهبی اسماعیلیان، از حکومت صلیحی در یمن، مشروعیت سیاسی و دینی او را در میان مردم تقویت می‌کرد. این امر به‌ویژه در اوایل تأسیس حکومت صلیحیان که با چالش‌های داخلی و خارجی متعددی روبه‌رو بود، از اهمیت بسزایی برخوردار بود.

ج. تقویت روابط اقتصادی

تبادل هدایا و برقراری روابط تجاری میان یمن و مصر، فواید اقتصادی متقابلی برای هر دو حکومت

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

به همراه داشت. این امر ضمن رونق بخشیدن به تجارت و بازرگانی، به تبادل کالاها و محصولات متنوع بین دو سرزمین می‌انجامید و موجبات رفاه و آبادانی هر دو منطقه را فراهم می‌کرد.

علاوه بر موارد گفته‌شده، صلیحی از طریق برقراری روابط با فاطمیان، می‌توانست از تجارب و دانش سیاسی، فرهنگی و علمی آنان نیز بهره‌مند شود و از این طریق در ادارهٔ بهتر حکومت خود و ارتقای سطح زندگی مردم یمن گام‌های مؤثری بردارد.

مستنصر خلیفهٔ مقتدر فاطمیان، اعتمادی بی‌حد و حصر به علی‌بن محمد صلیحی داشت و او را در پیشبرد اهدافش در یمن یاری می‌کرد (همدانی، ۱۹۵۵: ۹۳). این حمایت از جانب خلیفه، در قالب اعزام سپاهیان ورزیده، اعطای القاب رفیع و ارسال مکاتبات و نامه‌های تشویق‌آمیز به صلیحی، تجلی می‌یافت (ابن‌تغری‌بردی، ۱۳۹۲: ۷۲/۵). طبق آداب و رسوم دیرینه، اسماعیلیان یمن همواره هدایایی را به عنوان نشانهٔ مودت و دوستی به دربار فاطمیان مصر ارسال می‌کردند. صلیحی نیز پس از فتح قلعه‌های پیرامون شهر مَسار، نامه‌ای به خلیفه مستنصر نوشت و در آن تمایل اسماعیلیان یمن به اطاعت و وفاداری به خلافت فاطمی را اعلام کرد. این نامه همراه با هدایایی نفیس از جمله مشک، عنبر، شمشیر، چاقو، البسه فاخر و دیگر تحف ارزشمند به مصر فرستاده شد (حمادی، ۱۹۸۶: ۸۲).

المستنصر در پاسخ به هدایای علی صلیحی، به رسمیت شناختن حاکمیت وی بر یمن و تحکیم موقعیت او، پرچم فاطمی و القابی را برای صلیحی ارسال داشت (حمادی، همان، ۸۲). افزون بر آن، در نامه‌ای خطاب به صلیحی، وی را به تسخیر تمامی نواحی یمن و اکتفا نکردن به صنعا ترغیب کرد و وعدهٔ اعطای حمایت‌های معنوی، سیاسی و نظامی را به او داد (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۶۱/۱–۵۵). خلفای فاطمی مصر به منظور حمایت از علی صلیحی، القاب متعددی به وی اعطا می‌کردند که نشان‌دهنده جایگاه ویژهٔ او نزد آنها بود. صلیحی نیز متقابلاً احترام زیادی برای خلفای فاطمی قائل بود. این القاب و تعابیر احترام‌آمیز بیانگر روابط نزدیک و صمیمی بین آنها بود که بر پایهٔ اشتراکات مذهبی و سیاسی استوار بود. صلیحی از حمایت فاطمیان بهره می‌برد و در عوض، به ترویج مذهب اسماعیلی در یمن و تقویت نفوذ آنها کمک می‌کرد (قرشی، ۱۴۱۶: ۸/۷–۷). بی‌گمان روابط مستحکم علی صلیحی با خلفای فاطمی مصر، نقشی بنیادی در تثبیت و تقویت ارکان حکومت صلیحیان در یمن ایفا کرد. این مناسبات صلیحی را از موهبت یاری نظامی، سیاسی و مذهبی فاطمیان بهره‌مند ساخت و مشروعیت حاکمیت او را در یمن به‌طور

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

قابل توجهی تقویت کرد.

۳-۳. تسامح و مردم‌داری

شخصیت علی صلیحی تجلیگاه خصایصی ممتاز بود که در جلب قلوب مردم و کامیابی او نقشی بنیادی ایفا می‌کرد. روحیهٔ تسامح، مردم‌داری، عدالت‌خواهی، اهتمام به ارتباط با مردم و خلفای فاطمی مصر، از جمله عوامل اساسی در مشروعیت‌بخشی به حکومت او بوده‌اند. صلیحی با اتکا به روحیهٔ تسامح و مردم‌داری، موفق به جذب اقشار مختلف جامعه شد. مورخانی چون جندی، همدانی و حمادی، این ویژگی بارز او را تأیید کرده‌اند (جندی، ۱۹۸۳: ۴۸۷؛ همدانی، ۱۹۵۵: ۱۱۲؛ حمادی، ۱۹۸۶: ۸۱). عدالت‌خواهی یکی از برجسته‌ترین خصایص علی صلیحی بود. او با ظلم و ستم ستیز می‌کرد و در اندیشهٔ برپایی جامعه‌ای عادلانه بود. ارتباط وثیق با مردم از دیگر ویژگی‌های بارز او به شمار می‌رفت. صلیحی به‌طور مستقیم با مردم در تماس بود و از مشکلات و نیازهای آنان آگاهی داشت (همدانی، ۱۹۵۵: ۱۱۲). خصایص برجستهٔ علی صلیحی عامّهٔ مردم را مجذوب او کرده و پایگاه مردمی سترگی برای وی فراهم آورده بود. این خصایص به ویژه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، در مشروعیت‌بخشی به حکومت صلیحیان نقشی اساسی ایفا کرد. روحیه شجاعت، برنامه‌ریزی و تلاش او در کنار سایر خصایص، وی را در به چالش کشیدن اقتدار عباسیان یاری رساند و زمینه را برای پیروزی او و تأسیس حکومت صلیحیان فراهم کرد. بررسی خصایص برجسته علی صلیحی نشان می‌دهد که این ویژگی‌ها نقشی بنیادی در جلب توجه تودهٔ مردم، مشروعیت‌بخشی به حکومت او و تأسیس سلسله صلیحیان داشته‌اند. علی صلیحی با درک اهمیت جذب مخالفان و ایجاد وحدت در یمن، سیاست مدارا را در پیش گرفت. او با رفتار ملایم و عادلانه، سعی در جلب نظر قبایل، سران مذهبی و دیگر گروه‌های مخالف داشت (همدانی، ۱۹۵۵: ۷۷).

این سیاست، ستونی رکین در تحکیم ارکان حکومت نوپای صلیحیان به شمار می‌آمد.[۱] علی صلیحی در میدان نبرد کینه را به کناری می‌نهاد و با بسیاری از مخالفان خویش پس از شکست،

۱ در قلعه مسار، صلیحی در خطابه‌ای خطاب به مردم حراز چنین گفت: «ای مردمان حراز، مهر و محبت من نسبت به شما و خویشاوندانتان بیکران است و حراست از شما بر من واجب. نیک می‌دانم که حق کدامین کس است و برای مظلوم حق ستانده‌شده را بازپس خواهم گرفت؛ ظالم را سرکوب خواهم کرد و عدالت را در این سرزمین برقرار خواهم ساخت» (همدانی، ۱۹۵۵: ۷۷).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

با سعه صدر و رأفت رفتار می‌کرد. از مصادیق بارز این رویکرد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. عفو و آزادسازی جعفربن قاسم العیانی[۱] و یارانش پس از نبرد (ربعی، ۱۹۹۳: ۱۳۱؛ مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۵–۲۳۰).

ب. مدارا و ملایمت با «اسعدبن شهاب» حاکم تهامه از جانب صلیحی، در قبال خاندان بنو نجاح و مردم آن سامان (ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۲۵۵/۱؛ ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۱/ ۱۷۷).

ج. عفو و آزادسازی قاسم‌بن جعفربن قاسم العیانی و برادرش محمدبن جعفر پس از هفتاد روز محاصره در قلعه هَرابه[۲] (ربعی، ۱۹۹۳: ۱۳۱؛ مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۶–۲۳۵).

د. عفو و آزادسازی ابوالنور ابن‌جَهور پس از محاصره و تسلیم شدن (همدانی، ۱۹۵۵: ۷۸–۸۰).

علی صلیحی در اقدامی سنجیده و مبتنی بر تدبیر، از تبعید مخالفانی که دست به دشمنی و عناد با او نزده بودند، خودداری می‌ورزید و به آنان اجازه می‌داد در موطن خویش سکونت گزینند (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۱/ ۳۰۴). این سیاست حکیمانه، قبایل و مردم یمن را مجذوب صلیحی کرد و پایگاه مردمی مستحکمی برای او فراهم ساخت. اتخاذ چنین رویکردی به‌ویژه در سال‌های آغازین حکومت صلیحی، نقشی اساسی در تحکیم پایه‌های حکومت نوپای او و جلوگیری از بروز شورش‌ها و ناآرامی‌ها داشت. صلیحی با مدارای مثال‌زدنی خود با گروه‌های مختلف مذهبی و سیاسی، تا حدی به ایجاد وحدت و همبستگی در یمن یاری رساند. سیاست سنجیده و مبتنی بر خرد علی صلیحی در اداره امور حکومت، نمونه‌ای بارز از هوش و تدبیر او بود. این سیاست کارآمد، در کنار دیگر اقدامات او، به ثبات و استمرار حکومت صلیحیان در یمن کمک شایانی کرد.

علی صلیحی در مواجهه با تنوع مذهبی و قبیله‌ای یمن، سیاست‌هایی متمایز و کارآمد اتخاذ کرد که نقشی بنیادی در استمرار حکومت و حفظ صلح و ثبات در این سرزمین داشتند (عماره یمنی، ۱۹۷۶: ۱۲۱). وی با وجود تعلق خاطر به مذهب اسماعیلی، رویکردی مسالمت‌جویانه و

---

۱ در سدهٔ پنجم قمری، سلسله‌ای از امیران زیدی از خاندان قاسم عیانی، بر مناطقی از شمال یمن به‌ویژه ناحیه شَهاره حکمرانی می‌کردند. این امیران همگی پیرو مذهب حسینیه بودند (ربعی، ۱۹۹۳: ۵۵). با وجود آنکه برخی از این امیران مانند قاسم‌بن جعفربن قاسم عیانی واجد شرایط امامت زیدیه بودند، اعتقاد آنان به مهدویت و غیبت حسین‌بن قاسم مانع از اعلام امامتشان می‌شد. با این حال، این باور خللی در همکاری آنان با دیگر علویان که ادعای امامت داشتند، ایجاد نمی‌کرد. نمونه بارز این امر، حمایت آنان از امام ابوالفتح دیلمی است (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۲/ ۷۱۸–۷۱۷).

۲ هرابه: قلعه‌ای مستحکم واقع در وادعه از نواحی حوث است (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

مداراگرانه در قبال پیروان دیگر مذاهب در پیش گرفت (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۲۴۸/۱). صلیحی به والیان و امرای خود دستور داد با اقلیت‌های مذهبی با عطوفت و سعه صدر رفتار کنند. این سیاست هوشمندانه به جذب اقشار مختلف جامعه و جلب اعتماد عمومی یاری رساند (ابن‌دیبع، همان، همان‌جا).

صلیحی به عنوان داعی و پیشوای بزرگ اسماعیلیان یمن، از حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ پیروان خود در سراسر این سرزمین برخوردار بود (یمانی، ۱۹۸۸: ۷۵). قبایل اسماعیلی نظیر جُشم، یام و جُنَب با تقدیم هدایا و تجهیزات جنگی، به تقویت ارکان حکومت او کمک شایانی می‌کردند. صلیحی در ترویج مذهب اسماعیلی، روشی مسالمت‌آمیز را برگزیده بود و از هرگونه اجبار و اکراه پرهیز می‌کرد. او با برقراری عدالت و صلح در یمن، زمینه را برای گرایش داوطلبانهٔ مردم به این مذهب فراهم ساخت (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۲۴۲/۱). صلیحی به منظور حفظ ثبات و قدرت حکومت خویش، سیاست تعامل سازنده با قبایل یمنی را در پیش گرفت و با ایجاد صلح و آشتی بین آنها، به وحدت و انسجام یمن یاری رساند.

در سال ۴۳۹ق. علی صلیحی با دعوت از قبایل اسماعیلی یمن به قلعه مسار، موفق به جلب حمایت آنان برای حکومت خود شد (حمادی، ۱۹۸۶: ۸۱). قبایلی چون نَهد،[۱] جُشَم،[۲] یام،[۳] سَنحان،[۴] جُنَب، هُبَیرَه (یمانی، ۱۹۸۸: ۷۵) و نیز برخی قبایل بزرگ همدان و حمیر (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۲۸) در زمره حامیان اصلی حکومت صلیحی به شمار می‌رفتند (محمود، ۱۹۶۹: ۵۷). سیاست‌های مذهبی و قبیله‌ای صلیحی بر پایه مدارا، صلح‌طلبی و تعامل استوار بود. این رویکردها در کنار دیگر اقدامات او، نقشی اساسی در تأسیس و تداوم حکومت صلیحیان در یمن ایفا کرد.

۴-۳. تدابیر جنگی و نظامی قابل توجه

ستیزها و کارزارهای علی صلیحی در یمن از سال ۴۳۹ق. آغاز شد و تا واپسین دم حیات او به

---

۱ نَهد: قبیله‌ای بزرگ از قضاعه در شمال یمن که از تبار نهدبن زیدبن ربیعةبن سودبن اسلم‌بن الحاف می‌باشند (مقحفی، ۱۹۸۵: ۲/ ۱۷۶۷).

۲ جُشَم: طایفه‌ای از فرزندان شمس‌بن وائل از حمیر که در قرن پنجم و ششم از حاکمان یمن بودند (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱/ ۳۲۹).

۳ یام: قبیله‌ای از همدان و شاخه‌ای از ابوالعشیره یامی می‌باشند (ابن‌حائک، ۱۴۰۳: ۱۰/ ۶۸-۷۳).

۴ سَنحان: نام قبیله‌ای در شمال غرب یمن که در روستای المَذبَح از توابع استان لَحِج سکونت دارند و دارای روستاها و توابع زیادی می‌باشند (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱/ ۸۱۷).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

درازا کشید. مورخان دوره‌های نبردهای وی را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: ۱. نبرد با قبایل یمن شمالی؛ ۲. نبرد با زیدیه در صنعا و صعده؛ ۳. نبرد با قبایل یمن جنوبی؛ ۴. نبرد با نجاح حاکم تهامه.

صلیحی با اتکا به نبوغ و ابتکار در عرصه نظامی، از طریق اتخاذ تاکتیک‌های مبتنی بر غافلگیری، تهدیدات دشمن را خنثی می‌کرد. وی در میدان نبرد، تنها با قبایل معاند و متخاصم به پیکار برمی‌خاست و از تعرض به قبایل بی‌طرف خودداری می‌کرد. صلیحی در برخورد با قبایل مختلف، از سیاست‌های متمایزی بهره می‌برد؛ گاه با ملایمت و گاه با قاطعیت رفتار می‌کرد و در نبردها اصول و قواعد تاکتیکی و نظامی را به کار می‌بست. پس از دعوت از یاران هم‌کیش اسماعیلی و گردآوری سپاه از قبایل مناطق مختلف، صلیحی به احداث قلاع و استحکامات بیشتر برای ساماندهی نیروها و تجهیزات خویش مبادرت کرد. در این دوره، صنعا و نواحی تابعه شاهد آشوب‌ها و درگیری‌های متعدد میان قبایل بود. آل حاشد به رهبری حاشدبن یحیی، آلَ ضحاک به ریاست محمدبن قیس‌بن ضحاک و قبیله خولان به سرداری ابن‌ابی‌الفتوح، هر یک در تلاش برای تصاحب پایتخت صنعا بودند (همدانی، ۱۹۵۵: ۷۸–۷۹).

در سال ۴۳۹ق. علی صلیحی با عزیمت به میدان نبرد، با سپاه جعفربن قاسم‌بن علی العیّانی از زیدیه روبه‌رو شد و در جنگی سهمگین، لشکریان زیدیه را مغلوب کرد. در این نبرد، نواحی حضور و قلعه یَناع از توابع حَیمه به تصرف صلیحی درآمد (ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۲۴۹/۱). در ادامهٔ این پیروزی‌ها، صلیحی در سال ۴۴۳ق. حاشدبن یحیی ضحاک حاکم صنعا را در روستای صوف واقع در نزدیکی حَیمه، از پای درآورد. در این نبرد خونین، بسیاری از بزرگان همدان، خولان، حمیر و بنی‌الحارث به دست سپاهیان صلیحی کشته شدند و شهر صنعا نیز به قلمرو او ضمیمه شد (ابن‌قاسم، همان، همان‌جا).

علی‌رغم کثرت سپاه دشمن، صلیحی با اتخاذ تدابیر جنگی هوشمندانه بر آنان غلبه کرد. بدین‌سان سپاه انبوه دشمن در «تنگه صوف» غافلگیر شد و فرصت نیافت تا در میدانی هموار و بدون مانع به نبرد بپردازد. صلیحی با یورش ناگهانی، دشمن را آشفته و مضطرب ساخت و فرصت دفاع را از آنان سلب کرد (ابن‌دبیع، ۱۴۰۹: ۲۳۱/۱). عدم انسجام سپاه دشمن، عاملی کلیدی در شکست آنان بود. این امر ناشی از رقابت‌ها و نزاع‌های پیشین میان زیدیه و قبایل خولان، همدان و حمیر بود. این قبایل که اکنون برای مقابله با دشمنی مشترک متحد شده بودند، از وفاق

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

سیاسی لازم برخوردار نبودند و غالباً برای حفظ منافع و قدرت خود، در میدان نبرد حاضر می‌شدند. علاوه بر این، اختلافات داخلی سرداران و فرماندهان ابوالفتوح با او و تعصبات قبیله‌ای نیز بر تشدید این آشفتگی‌ها دامن می‌زد (حداد، ۱۹۶۸: ۱۸۲–۱۸۳). در مقابل، سپاهیان اسماعیلی به خاطر تعالیم مذهبی، از انسجام و اطاعت‌پذیری بالایی برخوردار بودند و با جدیت و بدون تردید از اوامر نظامی صلیحی اطاعت می‌کردند.

در سال ۴۴۳ق. در پی پیروزی در نبرد «صوف»، اشراف زیدی بار دیگر در «صید البرار» واقع در منطقه رَیدَه، به منظور نبرد با صلیحی حاضر شدند. رَیدَه که در حدود هفت فرسخی صنعا واقع بود، از جمله شهرهای پرجمعیت همدان و مرکز دادوستد حاشد و بکیل محسوب می‌شد[1] و از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار بود (ابن‌حائک همدانی، ۱۴۰۳: ۱۱۴). در این نبرد سهمگین، صلیحی با اتکا به موقعیت برتر نظامی و تجهیزات جنگی خود، بر رقبای زیدی خویش غلبه یافت و جمع کثیری از آنان را به اسارت درآورد و شماری از بزرگان و فرماندهان زیدی را از میان برد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۰).

در زمره ادوات و ابزار جنگی که صلیحی برای گشودن قلاع به کار می‌گرفت، منجنیق جایگاهی ویژه داشت. در سال ۴۴۸ق. وی قلعه هرابه را به محاصره خویش درآورد و با شلیک سنگ‌های عظیم منجنیق، استحکامات آن را ویران کرد و برج و باروهایش را فرو ریخت. در این نبرد، شریف فاضل به اسارت درآمد و سپاهیان همدان مغلوب شدند (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۴).

محاصرهٔ درازمدت از جمله شیوه‌های کارآمد در فتح قلاع دشمن به شمار می‌رفت. علی صلیحی در این میدان نیز تبحر و کارایی چشمگیری از خود به نمایش گذاشت. در سال ۴۴۳ق. در هرابه دشمن را به مدت هفتاد روز در محاصره خویش قرار داد و در سال ۴۵۰ق. در نبرد با یَعفُربن احمد کَرَندی در ذی‌جبله، به مدت نُه ماه او را محاصره کرد تا آنکه سرانجام مغلوب و اسیر شد. بدین ترتیب، قلاع عَظیم سنگی دُمْلُوَه و جَند به تصرف صلیحی درآمد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۷). صلیحی در این تاکتیک محاصره، با بهره‌گیری از حربهٔ تهدید و ایجاد رعب و وحشت

---

۱ مقدسی در نیمه دوم قرن چهارم قمری، از مردمان یمن از جمله قبایل شاکر و عامر، ساکنان دودمان‌های حاشد و بکیل، یاد کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۰۴). وی یمنی‌ها را مردمانی سیاه و سبزه، لاغراندام و باریک‌تن توصیف کرده که عمدتاً جامه‌های پنبه‌ای می‌پوشیدند، غالباً نعلین به پا می‌کردند و جز گوشت قربانی خشک‌شده، گوشت دیگری نمی‌خورند (مقدسی، همان، ۹۵-۹۶). ابن‌حائک نیز به پرورش زنبور عسل، کشت ذرت و تولید محصولاتی چون انگور، هلو، انار و انجیر در میان قبیله حاشد اشاره دارد (ابن‌حائک، ۱۴۰۳: ۳۱۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

در میان دشمنان، روحیه آنان را سست می‌کرد و اراده آنها را در هم می‌شکست و با به پایان رساندن ذخایر و آذوقه آنها، تسلیم شدنشان را تسریع می‌کرد.

صلیحی افزون بر روش‌های مرسوم حکومتی، از گروگان‌گیری به عنوان ابزاری کارآمد برای اعمال فشار بر حاکمان یمنی و قبایل بهره می‌برد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۵). بدین‌سان او شخصیت‌های برجستهٔ قبایلی را که تحت سیطره‌اش بودند، به گروگان می‌گرفت و در مکانی امن نزدیک به خود اسکان می‌داد. این اقدام هم ضمانتی برای جلوگیری از شورش مجدد قبایل یمنی (یمانی، ۱۹۸۸: ۷۶) و هم ابزاری برای ترور شخصیت رؤسای قبایل و کاهش محبوبیت آنان در میان مردم بود؛ چنان‌که یکی از مورخان یمنی در این باره چنین نگاشته است: «صلیحی پادشاهان یمن را به اسارت درآورد. آنان همواره در سایه او حضور داشتند؛ گویی از بیم طغیان، هرگز از او جدا نمی‌شدند» (لحجی، [بی‌تا]: ۱۷۸).

۵-۳. بهره‌گیری از نیروهای انسانی قابل اعتماد

پس از سرکوب دشمنان و مخالفان در سال ۴۵۵ق، صلیحی با اتکا به موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی ممتاز صنعا، این شهر را به عنوان پایتخت خویش برگزید و به عمران و آبادانی آن همت گمارد. او همچنین به منظور مقابله با مخاطرات ناشی از قدرت‌گیری قبایل یمن، به ساماندهی و انسجام‌بخشی به نیروهای انسانی خویش پرداخت. صلیحی به خوبی از نفوذ و قدرت قبایلی چون خولان، همدان و حمیر آگاه بود و آنان را تهدیدی بالقوه برای ثبات حکومت خویش می‌دانست؛ به همین دلیل با به‌کارگیری تدابیر سنجیده، به استخدام و آموزش نیروهای نظامی وفادار و کارآمد مبادرت ورزید.

صلیحی به منظور تحکیم ارکان حکومت خویش و مقابله با خطرات ناشی از قدرت‌گیری قبایل یمن، با گزینش دقیق و هوشمندانه، نیروهای نظامی قابل اعتمادی را از میان مردم یمن برگزید که از تعهد، شجاعت و مهارت‌های رزمی لازم برخوردار بودند. افزون بر این، با جذب و حمایت از علما و دانشمندان برجسته، به تقویت پایه‌های فکری و فرهنگی حکومت خویش پرداخت. صلیحی به درستی دریافته بود که این افراد می‌توانند نقشی اساسی در تحکیم و تثبیت قدرت او، ایجاد وحدت و همبستگی در میان مردم یمن و ترویج آموزه‌های دینی ایفا کنند (همدانی، ۱۹۵۵: ۱۱۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

به دنبال برگزیدن صنعا به‌عنوان دارالخلافه،[۱] صلیحی اهتمام خود را به سازماندهی قوای خویش معطوف داشت و در این راستا اقدام به تقسیم وظایف میان آنان کرد. وی در سپردن مناصب حکومتی، اولویت را به افراد مورد وثوق خویش که در کارزارهای پیشین جانفشانی کرده بودند و نیز هم‌کیشان اسماعیلی خویش اختصاص داد. صلیحی در پی کارگزاران و والیانی کارآمد بود که امانت‌داری را سرلوحهٔ کار خویش قرار داده باشند و با کفایتی تمام، به اداره امور قلاع، ارتفاعات و کوهستان‌ها بپردازند. افزون بر آن، به منظور تأمین مخارج لشکری و کشوری، نیازمند افرادی امین بود تا وظیفه أخذ خراج از حکام یمنی را برعهده بگیرند (همدانی، ۱۹۵۵: ۸۱، ۱۱۳).

صلیحی به منظور ساماندهی امور حکومتی، یاران برجستهٔ خود را از قبایل همدان، حمیَر و مَذحِج برگزید و به مناصب کلیدی گماشت. بدین‌سان «احمدبن سالم» به عنوان امین اَلمال و مسئول ارتباطات با حاکمان عدن منصوب شد و «ابومحمدبن ابی‌عقامه» عهده‌دار امور قضائی و رفع منازعات گردید. افزون بر این، صلیحی، ابوالحسین علی‌بن محمد را به عنوان مشاور امین خویش برگزید (عماره یمنی، ۱۹۷۶: ۱۲۳–۱۲۰).

در ادامهٔ این اقدامات مدبّرانه، صلیحی قلعه‌های استراتژیک یمن را به کاردان‌ترین امرا سپرد؛ از آن جمله عبدالله‌بن صلیحی به ریاست قلعه خَدد[۲]، حسین‌بن مهلهل به فرماندهی قلعه اخرُوج[۳]، احمدبن مظفر صلیحی به والی‌گری صعده، علی‌بن مالک‌بن شهاب به حکمرانی قلعه مَسار و عبدالله‌بن موسی‌بن عیسی‌بن هارون به استانداری بیاض در حجه منصوب شدند (لحجی، [بی‌تا]: ۱۹۵). «سلطان عبدالله‌بن محمدبن علی» برادر صلیحی نیز مأموریت یافت قلعه تَّعکَر[۴] را اداره کند (همدانی، ۱۹۵۵: ۸۸). امیر مُکَرّم احمدبن علی[۵] فرزند صلیحی، به منطقه جَنَد اعزام گردید و اسماعیل‌بن یَعفُر صلیحی بر یَحصُب، رُعَین و عَنس گمارده شد (همدانی، ۱۹۵۵: ۱۰۷). هدف

۱ پس از صلیحی، پایتخت از صنعا به ذی‌جبله در ناحیه مخلاف جعفر انتقال یافت. این شهر که در شمار زیباترین شهرهای یمن محسوب می‌شود، در جنوب إب واقع است و از موهبت جریان دو رودخانه در تمامی فصول سال برخوردار است. در سال ۴۵۸ق. عبدالله‌بن محمد نقشه‌ای از این شهر ترسیم کرد. پس از درگذشت علی صلیحی، ملکه اروی در ذی‌جبله اقامت گزید و این شهر به دارالعز مشهور شد (ابن‌مجاور، ۱۹۹۶: ۱/ ۶۵).

۲ خَدد: قلعه‌ای که بر روی ارتفاعات کوه حُبَیش در شمال شهر إب واقع است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱/ ۵۶۱).

۳ اخرُوج: قلعه‌ای که بر روی کوه حراز واقع است و روستاها و مزارع زیادی اطراف آن وجود دارد (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱/ ۴۲).

۴ تَّعکَر: قلعه‌ای که بر روی کوه عُدَین در نزدیکی ذی‌جبله واقع شده و مدتی مقر علی صلیحی و مکله حره بوده است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱/ ۲۳۳).

۵ احمد فرزند علی صلیحی، مردی شجاع و دلاور بود. او شوهر اسماء بنت احمد معروف به ملکه حره یا أروی بوده است (زرکلی، ۱۹۸۹: ۱۷۲/۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

صلیحی از این انتصابات، تحکیم قدرت خود در تمامی نواحی یمن بود.

در سال ۴۵۲ق. علی صلیحی با عزیمت به عدن در جنوب یمن، قصد تسخیر سرزمین‌های أبین و احور را در سر داشت. قبایل عدن که به نام «بنومَعن» شناخته می‌شدند، با تسلیم شدن به صلیحی، اطاعت خود از او را اعلام کردند. صلیحی با أخذ گروگان از سران بنومَعن، آنها را به عنوان نواب خود در عدن منصوب کرد. این اقدام هوشمندانه با توجه به مهارت و تخصص قبایل عدن در امور صیادی، کشتی‌رانی و مدیریت سواحل صورت گرفت (همدانی، ۱۹۵۵: ۸۶). بدین ترتیب صلیحی ضمن واگذاری حکومت عدن، لحج، أبین، حضرموت و شجر به بنومَعن (همدانی، همان، همان‌جا)، آنها را متعهد به پرداخت سالانه مبلغ صدهزار دینار به خزانه دولت صلیحی کرد (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۱/ ۳۰۴). این تدبیر صلح‌آمیز صلیحی، از وقوع جنگ مجدد با قبایل عدن ممانعت به عمل آورد و به دیگر قبایل یمن نیز نشان داد که در صورت اطاعت و اعتماد به حکومت صلیحی، می‌توانند از قدرت و استقلال خود در چارچوب دولت صلیحیان برخوردار باشند (ابن‌دیبع، همان، ۳۰۳-۳۰۴). در سال ۴۵۶ق. صلیحی با صدور حکمی، أسعدبن شهاب صلیحی را به عنوان عامل و کارگزار مناطق زَبید و تهامَه منصوب و آن مناطق را به صورت اقطاع و تیول به او واگذار کرد. أسعدبن شهاب صلیحی موظف بود که سالانه مبلغ صدهزار دینار به خزانه دولت صلیحی پرداخت کند[1] (عماره یمنی، ۱۹۷۶: ۱۲۱-۱۲۲).

۶-۳. ضرب سکه

سکه‌ها به مثابه اسناد گویای تاریخ، گنجینه‌ای از اطلاعات ارزشمند در رابطه با ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هر عصر و دورانی را به ارمغان می‌آورند. ضرب سکه به نام حاکم، تجلیگاه قدرت و اقتدار او و اعلام رسمی وجود و ظهور حکومتش تلقی می‌شود (فهمی، ۲۰۲۱: ۴۶-۴۴). علی صلیحی با درک ژرف این مهم، ضرب سکه را به ابزاری کارآمد برای مشروعیت‌بخشی و تحکیم بنیان‌های حکومت نوپای خویش تبدیل ساخت. سکه‌های منتسب به ادوار نخستین حکومت صلیحیان، حاکی از تمایلات شیعی حاکمان این سلسله در آن برههٔ تاریخی است. نقش عباراتی چون «علی ولی الله» و عدم ذکر نام خلیفه عباسی یا فاطمی بر روی سکه‌ها، به روشنی

۱ اسماء همسر صلیحی، در واگذاری تیول به برادرش اسعدبن شهاب، نقشی بسیار مهم و تعیین‌کننده داشت (عماره یمنی، ۱۹۷۶: ۱۲۰).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

گرایش‌های مذهبی علی صلیحی و ارادهٔ او برای استقلال از خلافت‌های مقتدر آن زمان را نمایان می‌سازد. ضرب سکه به نام خویش، گامی مهم برای مشروعیت‌بخشی به حکومت صلیحی به شمار می‌رفت. این اقدام، به‌ویژه در میان مردم و سایر حکومت‌ها، به مثابه نشانه‌ای آشکار از قدرت و اقتدار حاکم جدید تلقی می‌شد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۲). سکه‌ها همچون ابزاری تبلیغاتی کارآمد، برای ترویج اهداف و آرمان‌های حکومت صلیحی به کار گرفته می‌شدند. تصاویر و عبارات حک‌شده بر روی سکه‌ها، پیام‌های سیاسی و مذهبی مورد نظر حاکم را به مخاطبان القا می‌کردند. در سال‌های بین ۴۴۴ تا ۴۴۷ق. با گسترش فتوحات علی صلیحی و تسلط او بر سرزمین زبید، سکه‌های جدیدی با طرحی متفاوت ضرب شد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۳۳). این سکه‌ها گواهی بر روابط مستحکم و پایدار حکومت صلیحی با فاطمیان مصر به شمار می‌روند. استفاده از القابی چون «المستنصر بالله امیرالمؤمنین» برای خلیفه فاطمی و «امیر المظفر نظام المؤمنین» برای علی صلیحی، بر وابستگی و دلدادگی صلیحیان به فاطمیان دلالت دارد. حک شدن عباراتی چون «هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّه» و «لا اله الا الله محمد رسول الله، علی ولی الله» بر روی سکه‌ها، بیانگر گرایش‌های مذهبی حاکم و مردم آن دوره است (العش، ۱۹۸۱: ۴۳). بررسی سکه‌های دوره صلیحیان، دریچه‌ای ارزشمند به سوی سیاست‌ها، اهداف و روابط این حکومت با دیگر قدرت‌های منطقه می‌گشاید. سکه‌ها به عنوان ابزاری کارآمد برای مشروعیت‌بخشی، تبلیغات و ترویج ایدئولوژی، نقشی اساسی در تثبیت و استمرار حکومت صلیحیان ایفا کردند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌بن محمد صلیحی با اتخاذ تدابیر هوشمندانهٔ سیاسی و نظامی، قادر به تأسیس و تحکیم حکومتی قدرتمند در یمن شد. او با استراتژی‌های متعددی که در حوزه‌های نظامی، دیپلماتیک و مردمی به کار گرفت، توانست محیطی امن و پایدار برای حکومت خود ایجاد کند. از جمله عواملی که به تداوم حکومت صلیحی انجامید، می‌توان به ساخت قلاع نفوذناپذیر به عنوان پایگاهی امن برای مقابله با دشمنان، برقراری روابط حسنه با فاطمیان مصر از طریق ایجاد کانال‌های دیپلماتیک مؤثر و ایجاد سازش و صلح با قبایل اسماعیلی که به گسترش پایگاه مردمی او در یمن انجامید، اشاره کرد. همچنین تصرف پایتخت صنعا به عنوان نماد مشروعیت حکومت، همراه با تسامح و مردم‌داری در برخورد با تنوع مذهبی، از جمله

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

ویژگی‌هایی بود که به وحدت کشور کمک کرد. استفاده از ظرفیت‌های سیاسی از طریق ائتلاف‌های هوشمندانه و توان نظامی برای سرکوب مخالفان و همچنین سیاست مدارا با اسیران و جلوگیری از خشونت بیش از حد، در کنار هم نقش اساسی در ایجاد یک دورهٔ طولانی از ثبات و امنیت در یمن ایفا کردند. این دستاوردها نه تنها حکومتی مستحکم را به وجود آورد، بلکه الگویی برای حکمرانی عادلانه و موفق در تاریخ سیاسی و اجتماعی یمن به جای گذاشت.

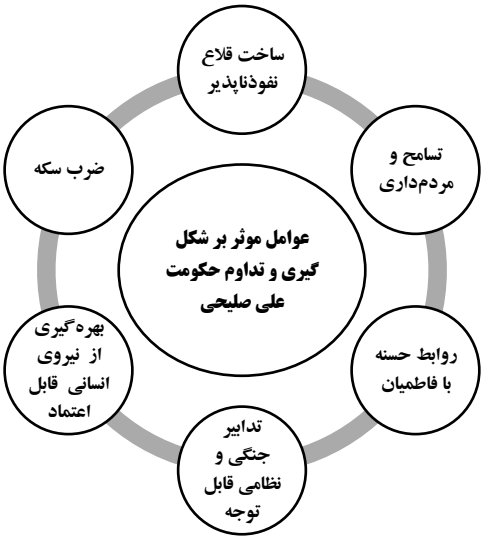

نمودار: عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم حکومت علی صلیحی در یمن

منابع و مآخذ

- ابن‌حائک همدانی، حسن‌بن احمدبن یعقوب (۱۴۰۳)، ***صفة*** *جزیرة العرب*، صنعا: چاپ محمدبن علی أکوع.
- ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمان‌بن محمد (۱۹۸۵)، *العبر و دیوان المبتدا و الخبر*، ج۳، ۴، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌دیبع، أبی‌الضیا عبدالرحمن‌بن علی الشیبانی الزبیدی (۱۴۰۹)، ***قرة*** *العیون فی اخبار الیمن المیمون*، تحقیق محمد الأکوع، ج۱، قاهره: **مطبعة** السلفیه.
- ابن‌فند، محمدبن علی‌بن یونس‌بن علی الزحیف الصعدی (۱۴۲۳)، *مآثر الابرار فی تفصیل مجملات جواهر الاخبار*، ج۲، عمان: چاپ عبدالسلام عباس وجیه و خالد قاسم محمد متوکل.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

- ابن‌قاسم، یحیی‌بن حسین (۱۳۸۸)، *غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی*، تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور و محمد مصطفی زیاده، ج۱، قاهره: [بی‌نا].
- ابن‌مجاور، ابوالفتح نجم‌الدین یوسف‌بن یعقوب (۱۹۹۶)، *تاریخ المستبصر*، تحقیق ممدوح حسن محمّد، ج۱، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل‌بن علی (۱۴۱۷)، *المختصر فی اخبار البشر*، ج۲، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌تغری بردی، جمال‌الدین یوسف (۱۳۹۲). *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج۴، ۵، قاهره: المؤسسة المصریة العامة.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱)، *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، ج۱، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ترسیسی، عدنان (۱۴۱۰)، *بلاد سبأ و حضارات العرب الاولی*، ج۱، بیروت: [بی‌نا].
- ثور، عبداللّه (۱۹۸۵)؛ *هذه هی الیمن: الارض و الانسان و التاریخ*، ج۱، بیروت: [بی‌نا].
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۸۵)، «داعیان حکومتگر صلیحی در یمن»، *نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)*، ش۵۹، صص۶-۳۳.
- جندی، محمدبن یوسف‌بن یعقوب (۱۹۸۳)، *السلوک فی طبقة العلماء و الملوک*، تحقیق محمدبن علی الاکوع، صنعا: مکتبة الارشاد.
- حداد، محمد یحیی (۱۹۶۸)، *تاریخ الیمن السیاسی*، قاهره: دار وهدان.
- حمادی، محمدبن مالک (۱۹۸۶)، *کشف اسرار الباطنیة*، تحقیق زنیهم، قاهره: دار الصحوه.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزان روز.
- ربعی، مفرج‌بن احمد (۱۹۹۳)، *سیرة الأمیرین الجلیلین الشریفین الفاضلین القاسم و محمدبن جعفر*، تحقیق رضوان السید، عبدالغنی محمود، بیروت: دار المنتخب العربی.
- زباره، محمدبن محمد [بی‌تا]، *تاریخ الائمة الزیدیة فی الیمن حتی العصر الحدیث*، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹)، *الاعلام*، ج۱، ۳، بیروت: دار العلم للملایین.
- سیاغی، حسین احمد (۱۹۸۰)، *معالم الآثار الیمنیة*، صنعا: [بی‌نا].
- العش، محمد ابوالفرج (۱۹۸۱)، «المسکوکات فی الحضارة الاسلامیه»، *مجلة الاکلیل الیمنیه*، صنعا: وزارة الاعلام.
- عماره یمنی، أبی‌الحسن علی‌بن زیدان (۱۹۷۶). *تاریخ الیمن*، تحیق محمد الأکوع، قاهره: مطبعة السعادة.
- فهمی، عبدالرحمن (۲۰۲۱)، *النقود العربیة ماضیها و حاضرها*، [بی‌جا]: مؤسسة وکالة الصحافة العربیة.
- قرشی، ادریس عمادالدین (۱۴۱۶)، *عیون الاخبار و فنون الأثار فی فضائل الائمة الاطهار*، ج۷، بیروت: دارالأندلس.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

- لحجی، مسلم‌بن محمدبن جعفربن الحسن [بی‌تا]، *تاریخ مسلم لحجی*، صنعا: **مؤسسة** الإمام زیدبن علی.
- لین پل، استانلی (۱۳۸۹)، *طبقات السلاطین*، ترجمهٔ عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- محمود، حسن سلیمان (۱۹۶۹)، *تاریخ الیمن السیاسی فی العصر الاسلامی*، بغداد: **مطبعة** دار الجاحظ.
- مطاع، احمدبن احمدبن محمد (۱۹۸۶)، *تاریخ الیمن الاسلامی*، تحقیق عبدالله محمد الحبشی، بیروت: دار التنویر.
- مقحفی، ابراهیم احمد (۱۹۸۵)، *معجم المُدن و القبائل* ***الیمنیة***، ج۱، ۲، صنعا: منشورات دار **الحکمة**.
- مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله بشاری (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی* ***معرفة*** *الاقالیم*، ترجمهٔ علینقی منزوی، تهران: کومش.
- مقریزی، تقی‌الدین احمدبن علی (۱۹۷۷)، *اتعاظ الحنفاء بأخبار* ***الأئمة*** *الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق محمد حلمی، قاهره: مطابع الهرام التجاریه.
- همدانی، حسین‌بن فیض‌الله (۱۹۵۵)، *الصلیحیون و* ***حرکة الفاطمیة*** *فی الیمن*، تحقیق حسن سلیمان محمود جهنی، قاهره: چاپ الرساله.
- یمانی، تاج‌الدین عبدالباقی‌بن عبدالمجید (۱۹۸۸)، ***بهجة*** *الزمن فی تاریخ الیمن*، بیروت: دار الفکر المعاصر.

List of Sources with English Hnadwriting

- Abū al-Fidāʾ, ʿImād al-Dīn Ismāʿīl ibn ʿAlī (1417 AH), al-Mukhtaṣar fī Akhbār al-Bashar, Vol. 2, Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyyah. **[In Arabic]**
- al-ʿIsh, Muḥammad Abū al-Faraj (1981), "al-Maskūkāt fī al-Ḥaḍārah al-Islāmiyyah," Majallat al-Aklīl al-Yamaniyyah, Ṣanʿāʾ: Wizārat al-Iʿlām. **[In Arabic]**
- Bosworth, Clifford Edmund (1381 AH), Silsilah-hā-yi Islāmī-yi Jadīd, trans. Fereydoun Badraʾi, Vol. 1, Tehran: Markaz-e Bāzshenāsī-ye Islām wa Īrān. **[In Persian]**
- Daftary, Farhād (1386 AH), Tārīkh wa ʿAqāʾid-i Ismāʿīliyyah, trans. Fereydoun Badraʾi, Tehran: Farzān Rūz. **[In Persian]**
- Fahmī, ʿAbd al-Raḥmān (2021), al-Nuqūd al-ʿArabiyyah: Māḍīhā wa Ḥāḍiruhā, [n.p.]: Muʾassasat Wikālat al-Ṣaḥāfah al-ʿArabiyyah. **[In Arabic]**
- Ḥaddād, Muḥammad Yaḥyā (1968), Tārīkh al-Yaman al-Siyāsī, Cairo: Dār Wahdān. **[In Arabic]**
- Hamdānī, Ḥusayn ibn Fayḍ Allāh (1955), al-Ṣulayḥiyyūn wa Ḥarakat al-Fāṭimiyyah fī al-Yaman, ed. Ḥasan Sulaymān Maḥmūd Jahnī, Cairo: Al-Risālah Press. **[In Arabic]**
- Ḥammādī, Muḥammad ibn Mālik (1986), Kashf Asrār al-Bāṭiniyyah, ed. Zunayhim, Cairo: Dār al-Ṣaḥwah. **[In Arabic]**
- Ibn Daybaʿ, Abū al-Ḍiyāʾ ʿAbd al-Raḥmān ibn ʿAlī al-Shaybānī al-Zabīdī (1409 AH), Qurrat al-ʿUyūn fī Akhbār al-Yaman al-Mīmūn, ed. Muḥammad al-Akwāʿ, Vol. 1, Cairo: Maṭbaʿat al-Salafiyyah. **[In Arabic]**
- Ibn Fund, Muḥammad ibn ʿAlī ibn Yūnus ibn ʿAlī al-Zaḥīf al-Ṣaʿdī (1423 AH), Maʾāthir

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

al-Abrār fī Tafṣīl Mujmalāt Jawāhir al-Akhbār, Vol. 2, ʿAmmān: Edited by ʿAbd al-Salām ʿAbbās Wajīh and Khālid Qāsim Muḥammad Mutawakkil. **[In Arabic]**

- Ibn Hāʾik al-Hamdānī, Ḥasan ibn Aḥmad ibn Yaʿqūb (1403 AH), Ṣifat Jazīrat al-ʿArab, Ṣanʿāʾ: Edited by Muḥammad ibn ʿAlī al-Akwāʿ. **[In Arabic]**
- Ibn Khaldūn, Abū Zayd ʿAbd al-Raḥmān ibn Muḥammad (1985), al-ʿIbar wa Dīwān al-Mubtadaʾ wa al-Khabar, Vols. 3–4, Beirut: Dār al-Fikr. **[In Arabic]**
- Ibn Mujāwir, Abū al-Fatḥ Najm al-Dīn Yūsuf ibn Yaʿqūb (1996), Tārīkh al-Mustabṣir, ed. Mamdūḥ Ḥasan Muḥammad, Vol. 1, Cairo: Maktabat al-Thaqāfah al-Dīnīyah. **[In Arabic]**
- Ibn Qāsim, Yaḥyā ibn Ḥusayn (1388 AH), Ghāyat al-Amānī fī Akhbār al-Qaṭr al-Yamānī, ed. Saʿīd ʿAbd al-Fattāḥ ʿĀshūr and Muḥammad Muṣṭafā Ziyādah, Vol. 1, Cairo: [n.p.]. **[In Arabic]**
- Ibn Taghrībirdī, Jamāl al-Dīn Yūsuf (1392 AH), al-Nujūm al-Zāhirah fī Mulūk Miṣr wa al-Qāhirah, Vols. 4–5, Cairo: al-Muʾassasah al-Miṣriyyah al-ʿĀmmah. **[In Arabic]**
- Jān-Aḥmadī, Fāṭimah (1385 AH), "Dāʿiyān-i Ḥukūmatgar Ṣulayḥī dar Yaman," Nashriyyah-yi ʿUlūm-i Insānī-yi Dānishgāh al-Zahrāʾ (S), No. 59, pp. 6–33. **[In Persian]**
- Jundī, Muḥammad ibn Yūsuf ibn Yaʿqūb (1983), al-Sulūk fī Ṭabaqāt al-ʿUlamāʾ wa al-Mulūk, ed. Muḥammad ibn ʿAlī al-Akwāʿ, Ṣanʿāʾ: Maktabat al-Irshād. **[In Arabic]**
- Laḥjī, Muslim ibn Muḥammad ibn Jaʿfar ibn al-Ḥasan [n.d.], Tārīkh Muslim Laḥjī, Ṣanʿāʾ: Muʾassasat al-Imām Zayd ibn ʿAlī. **[In Arabic]**
- Lane-Poole, Stanley (1389 AH), Ṭabaqāt al-Salāṭīn, trans. ʿAbbās Iqbāl Āshtiyānī, Tehran: Dunyā-yi Kitāb. **[In Persian]**
- Maḥmūd, Ḥasan Sulaymān (1969), Tārīkh al-Yaman al-Siyāsī fī al-ʿAṣr al-Islāmī, Baghdad: Maṭbaʿat Dār al-Jāḥiẓ. **[In Arabic]**
- Maqdisī, Shams al-Dīn Abū ʿAbd Allāh Bashshārī (1361 AH), Aḥsan al-Taqāsīm fī Maʿrifat al-Aqālīm, trans. ʿAlī Naqī Munzavī, Tehran: Kūmish. **[In Persian]**
- Maqḥafī, Ibrāhīm Aḥmad (1985), Muʿjam al-Mudun wa al-Qabāʾil al-Yamaniyyah, Vols. 1–2, Ṣanʿāʾ: Manshūrāt Dār al-Ḥikmah. **[In Arabic]**
- Maqrīzī, Taqī al-Dīn Aḥmad ibn ʿAlī (1977), Ittiʿāẓ al-Ḥunafāʾ bi-Akhbār al-Aʾimmah al-Fāṭimiyyīn al-Khulafāʾ, ed. Muḥammad Ḥilmī, Cairo: Maṭābiʿ al-Harām al-Tijārīyah. **[In Arabic]**
- Muṭāʿ, Aḥmad ibn Aḥmad ibn Muḥammad (1986), Tārīkh al-Yaman al-Islāmī, ed. ʿAbd Allāh Muḥammad al-Ḥabshī, Beirut: Dār al-Tanwīr. **[In Arabic]**
- Qurashī, Idrīs ʿImād al-Dīn (1416 AH), ʿUyūn al-Akhbār wa Funūn al-Āthār fī Faḍāʾil al-Aʾimmah al-Aṭhār, Vol. 7, Beirut: Edited by Muṣṭafā Ghālib. **[In Arabic]**
- Rabiʿī, Mufarriḥ ibn Aḥmad (1993), Sīrat al-Amīrayn al-Jalīlayn al-Sharīfayn al-Fāḍilayn al-Qāsim wa Muḥammad ibn Jaʿfar, ed. Riḍwān al-Sayyid and ʿAbd al-Ghanī Maḥmūd, Beirut: Dār al-Muntakhab al-ʿArabī. **[In Arabic]**
- Sayyāghī, Ḥusayn Aḥmad (1980), Maʿālim al-Āthār al-Yamaniyyah, Ṣanʿāʾ: [n.p.]. **[In Arabic]**

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]

- Tarsīsī, ʿAdnān (1410 AH), Bilād Sabaʾ wa Ḥaḍārāt al-ʿArab al-Ūlā, Vol. 1, Beirut: [n.p.]. **[In Arabic]**
- Thawr, ʿAbd Allāh (1985), Hādhihi Hiya al-Yaman: al-Arḍ wa al-Insān wa al-Tārīkh, Vol. 1, Beirut: [n.p.]. **[In Arabic]**
- ʿUmārah al-Yamanī, Abū al-Ḥasan ʿAlī ibn Zaydān (1976), Tārīkh al-Yaman, ed. Muḥammad al-Akwāʿ, Cairo: Maṭbaʿat al-Saʿādah. **[In Arabic]**
- Yamānī, Tāj al-Dīn ʿAbd al-Bāqī ibn ʿAbd al-Majīd (1988), Bahjat al-Zaman fī Tārīkh al-Yaman, Beirut: Dār al-Fikr al-Muʿāṣir. **[In Arabic]**
- Zabarah, Muḥammad ibn Muḥammad [n.d.], Tārīkh al-Aʾimmah al-Zaydiyyah fī al-Yaman ḥattā al-ʿAṣr al-Ḥadīth, Cairo: Maktabat al-Thaqāfah al-Dīnīyah. **[In Arabic]**
- Ziriklī, Khayr al-Dīn (1989), al-Aʿlām, Vols. 1, 3, Beirut: Dār al-ʿIlm li al-Malāyīn. **[In Arabic]**

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/16.63.5]